

آنچه در این ستون می‌خوانید، دیدگاه‌های رسانه‌های خارجی است که صرفاً جهت اطلاع‌رسانی منتشر می‌شود و این دیدگاه‌ها موضع روزنامه «هم‌میهن» نیست.

Bloomberg

افزایش دریافت نفت ایران در چین

پالایشگاه‌های مستقل نفت چین در حال افزایش واردات نفت خام ایران هستند. اواخر ماه گذشته، پکن بسته تازه‌ای از سهمیه واردات اعلام کرد. حالا و پس از این اعلام سهمیه تازه، این پالایشگاه‌ها دریافت نفت خام ایران از تانکرهای مستقر در خشکی و نیز از نفتکش‌ها هستند. چندین مرکز فرآوری محصولات نفتی که در استان شاندونگ چین مستقر هستند، مشغول این شده‌اند که از انبارهای گمرکی که در بنادر و پالایشگاه‌ها مستقر هستند، نفت خام دریافت کنند. این را افراد مطلع از موضوع گفته‌اند که به خاطر صحبت از مسائل حساس در خواست کرده‌اند نام‌شان ذکر نشود. بسیاری از این محموله‌های نفتی، پیش از تخصیص سهمیه‌های جدید خریداری شده‌اند. پالایشگاه‌های خصوصی چین را اصطلاحاً «تی‌پات» یا پالایشگاه‌های «فوری» می‌خوانند. «تی‌پات، لقبی برای پالایشگاه‌های کوچک و خصوصی در چین است که تا حدی مستقل از شرکت‌های بزرگ دولتی در این کشور فعالیت می‌کنند. علت این نام‌گذاری این است که این پالایشگاه‌ها اغلب ظرفیت کمتری نسبت به پالایشگاه‌های دولتی بزرگ دارند و این اصطلاح در ادبیات حوزه نفت به طور رسمی برای توصیف این مراکز به کار می‌رود. این پالایشگاه‌ها مدتی است که اجازه واردات نفت خام در چین پیدا کرده‌اند [این پالایشگاه‌ها، مراکز اصلی خرید نفت خام از ایران و روسیه در چین هستند. نفت ایران و روسیه، در بازار به نسبت ارزان‌تر است. در عین حال، در نتیجه تمام‌شدن سهمیه تخصیص داده‌شده به آن‌ها و نیز در نتیجه تبعات تحریم‌ها، این پالایشگاه‌ها، خرید نفت را در سهم‌ماه چهارم کاهش داده بودند. پکن، یک نظام سهمیه‌ای دارد که میزان نفتی را که پالایشگاه‌های تحت مالکیت غیردولتی می‌توانند وارد کنند، کنترل می‌کند. با این حال، «مجموع تقاضای این «فوری‌ها» احتمالاً تا پایان سال پایین خواهد ماند. به گزارش وورنکس [یک شرکت فناوری و تحلیل داده‌ها در حوزه انرژی در بریتانیا]، این تا حدی به خاطر حاشیه پایین سودآوری در فروش نفت خام است. «امالی»، تحلیلگر ارشد بازار چین در وورنکس می‌گوید، این وضعیت یعنی «نفت خام تحریم‌شده احتمالاً همچنان [در نفتکش‌ها] روی آب جمع خواهد شد.»

مقامات چین معمولاً درباره سهمیه کلی در طول سال، راهنمایی‌هایی ارائه می‌کنند، اما جزئیاتی درباره ردیف‌های صادرشده در طول سال که عدد کلی را شکل می‌دهند، ارائه نمی‌کنند. به گفته تحلیلگران، در تازه‌ترین تخصیص سهمیه، حدود ۲۰ «فوری» چینی بین ۸ تا ۷ میلیون تن سهمیه دریافت کرده‌اند. دوبرتانکر حامل نفت خام ایران مدتی بود که نزدیک سواحل چین متوقف مانده بودند. داده‌های رصد کشتی‌ها که بلومبرگ بررسی کرده نشان می‌دهند این دوبرتانکر، این هفته بار خود را در بنادر جداگانه در چین تخلیه کرده‌اند، یکی از این دو کشتی، به نام «ایل‌گپ» با پرچم پاناما که ۲ میلیون بشکه را جابه‌جایی کرد، بار خود را در ریزانئو تخلیه کرد. طبق داده‌های کپلر [یک شرکت جهانی که در حوزه تحلیل داده‌ها در بازارهای جهانی فعالیت می‌کند] نفت خام ایران که در تانکرهای روی دریا متوقف مانده باشد، این هفته به حجم ۵۴ میلیون بشکه رسید. این بالاترین میزان برای این وضعیت در دو سال و نیم گذشته است. چین بزرگ‌ترین مشتری نفت برای این تولیدکننده عضو اوپک [ایران] است. ایران هم تحت تحریم قرار دارد. صادرات این نفت اخیراً به بالاترین سرعت در طول چند سال اخیر رسیده است. با توجه به مجموعه بسیار محدود برای خریداران بالقوه، نفت ایران باید ارزان باشد. تاجران این حوزه می‌گویند، برخی محموله‌های نفت سبک ایران این هفته با ۸ تا ۹ دلار تخفیف در هر بشکه نسبت به نفت خام برنت آی‌سی‌ای عرضه شدند. در ماه اوت، این میزان ۴ دلار بود. گسترش تحریم‌ها علیه روسیه نیز منجر به ارزانی بیشتر بشکه‌های نفت شده است. بسیاری از پالایشگاه‌های چینی امسال سریع‌تر از حالت معمول سهمیه خود را سوزانند. این ناشی از رژیم‌های مالیاتی سخت‌گیرانه‌تر برای خوراک جایگزین از قبیل نفت کوره بود. از سال ۲۰۲۴، آن‌ها کل سهمیه سالانه خود را پیشاپیش دریافت کرده‌اند تا به برنامه‌ریزی‌شان کمک شود، اما این نظام اغلب باعث می‌شود آن‌ها مدت‌ها پیش از پایان سال، کم بیاورند.



عکس: president.ir

در میانه تشدید فشارهای آمریکا، ایران و ونزوئلا نمی‌توانند به هم کمکی کنند

رفاقت بی‌حاصل

ایالات متحده بوده است. چین، البته مدت‌هاست وارد تقابل نظامی علنی با کسی نشده و این را به عنوان بخش مهمی از راهبرد خود حفظ کرده است اما در عرصه‌های اقتصادی و تجاری، رقابتی جدی با آمریکا داشته است. ایران و ونزوئلا، هر دو بر اساس همین رقابت‌ها و تقابل‌های این دو کشور با آمریکا، جایگاهی جدی برای این دو در راهبرد سیاست خارجی خود قائل بوده است. این روابط، البته برای این دو کشور کارکرد مهمی داشته است. پکن و مسکو، بیشترین کمک‌ها را در عرصه‌های مختلف به تهران و کاراکاس کرده‌اند و همین حالا می‌توان ادعا کرد، چین به‌تنهایی مهم‌ترین مانع کاهش شدید درآمدهای نفتی ایران، بر اثر فشارهای آمریکاست؛ اما از طرفی، چنان که اشاره شد، هیچ‌کدام از این روابط مانع تشدید بحران‌های مختلف در این دو کشور نبوده‌اند. آخرین نقطه اوج‌گیری تنش‌ها بین ایران و آمریکا، در جنگ اخیر بین ایران و اسرائیل نمود پیدا کرد. روسیه و چین، البته در عرصه موضع‌گیری‌های سیاسی از ایران حمایت و از اقدامات آمریکا و اسرائیل علیه این کشور انتقاد کردند اما هیچ‌کدام اقدام عملی مشهود چندان‌ی نکردند تا به ایران کمک کنند. بلکه می‌توان ادعا کرد، پایان جنگ نیز با تصمیم واشنگتن پس از اقدام مستقیمش رخ داد و مسکو و پکن، نقشی در این عرصه نداشتند.

▼ محک‌تجربه

ایران سال‌هاست که تحت فشار ایالات متحده بوده است اما در سال جاری، این فشار به اوج خود رسید؛ زمانی که نزدیک‌ترین متحد آمریکا، با کمک‌های گسترده‌ای که از ایالات متحده دریافت می‌کند، به ایران حمله کرد و در نهایت، پای خود آمریکا را نیز به میدان کشاند تا تأسیسات هسته‌ای در خاک ایران هدف بمباران گسترده قرار گیرند. آن زمان و پس از آن، درباره گستره و جنس نقش آفرینی دوستان و نزدیکان ایران، بحث‌های بسیاری مطرح شد. مشخصاً درباره میزان نقش آفرینی چین و روسیه تحلیل‌ها و گمانه‌زنی‌هایی وجود داشت اما در همان زمان، عملاً حتی نامی هم از ونزوئلا مطرح نبود. در ماه‌های پس از آن نیز، زمانی که فشارها از

خواه تحریم‌های شورای امنیت با پیشگامی آمریکا، ونزوئلا نیز از جمله کشورهایی بوده که با سطوح مختلف تحریم دست‌وپنجه نرم کرده است و البته تحریم‌های این کشور نیز با هدایت و پیش‌قراولی آمریکا شکل گرفته‌اند. چنان که از مواضع برمی‌آید، تأکید بر این روابط بر اساس این تصور شکل گرفت که به عنوان دو کشور در معرض فشار اقتصادی تحریم، دو طرف می‌توانند به یکدیگر یاری برسانند.

این رابطه البته خالی از محتوا هم نبود. لاقلاً ونزوئلا، استفاده‌های قابل‌توجهی از رابطه‌اش با ایران برد. تهران در عرصه‌های اقتصادی و انرژی کمک‌های مختلفی به کاراکاس کرده است و به‌خصوص در سال‌های اخیر و با تشدید فشارها، تلاش ایران نیز در این زمینه تا حدی جدی‌تر شده است. گزارش‌های رسانه‌های غربی، از کمک‌های تسلیحاتی ایران به ونزوئلا نیز می‌گویند؛ اما شناخته‌شده‌ترین جنبه کمک تهران به کاراکاس، در دوزدن فرایندهای تحریمی برای رساندن نفت به ونزوئلا با شیوه‌هایی از جمله تهاوت بوده است.

اما در همین سال‌های پیش از این، در دورانی که بحران برای دو طرف به این شدت نرسیده بود نیز مشخص بود، این رابطه چندان نتوانسته جبران‌کننده فشارهای غرب و مشخصاً ایالات متحده باشد. ونزوئلا در سال‌های گذشته، روندی نزولی را در شرایط اقتصادی و سیاسی خود طی کرد. در کنار مسائلی مثل سوءمدیریت داخلی، بخش مهمی از این روند به خاطر فشاری بود که واشنگتن بر کاراکاس می‌آورد. در سمت مقابل، ایران نیز آسیب‌هایی جدی از فشارهای اقتصادی، از جمله از تحریم‌ها دریافت کرده است و این رابطه چندان اثری در تخفیف این شرایط نداشته است.

▼ دوستان مشترک

الگوی مشابه دیگری نیز در سیاست خارجی تهران و کاراکاس وجود داشته است و آن تعامل با دو قدرت شرقی در شرایط تحمل فشار از سمت غرب بوده است. روسیه و چین، به دلایل مختلف و در عرصه‌های مختلف در تقابل با ایالات متحده بوده‌اند. روسیه همین حالا درگیر نبردی نظامی با اوکراین است و مهم‌ترین حامی اوکراین نیز



در همین سال‌های پیش از این، دورانی که برای دو طرف به این شدت نرسیده بود نیز مشخص بود، این رابطه چندان نتوانسته جبران‌کننده فشارهای غرب و مشخصاً ایالات متحده باشد. ونزوئلا در سال‌های گذشته، روندی نزولی را در شرایط اقتصادی و سیاسی خود طی کرد. در کنار مسائلی مثل سوءمدیریت داخلی، بخش مهمی از این روند به خاطر فشاری بود که واشنگتن بر کاراکاس می‌آورد. در سمت مقابل، ایران نیز آسیب‌هایی جدی از فشارهای اقتصادی، از جمله از تحریم‌ها دریافت کرده است و این رابطه چندان اثری در تخفیف این شرایط نداشته است.

مقامات چین معمولاً درباره سهمیه کلی در طول سال، راهنمایی‌هایی ارائه می‌کنند، اما جزئیاتی درباره ردیف‌های صادرشده در طول سال که عدد کلی را شکل می‌دهند، ارائه نمی‌کنند. به گفته تحلیلگران، در تازه‌ترین تخصیص سهمیه، حدود ۲۰ «فوری» چینی بین ۸ تا ۷ میلیون تن سهمیه دریافت کرده‌اند. دوبرتانکر حامل نفت خام ایران مدتی بود که نزدیک سواحل چین متوقف مانده بودند. داده‌های رصد کشتی‌ها که بلومبرگ بررسی کرده نشان می‌دهند این دوبرتانکر، این هفته بار خود را در بنادر جداگانه در چین تخلیه کرده‌اند، یکی از این دو کشتی، به نام «ایل‌گپ» با پرچم پاناما که ۲ میلیون بشکه را جابه‌جایی کرد، بار خود را در ریزانئو تخلیه کرد. طبق داده‌های کپلر [یک شرکت جهانی که در حوزه تحلیل داده‌ها در بازارهای جهانی فعالیت می‌کند] نفت خام ایران که در تانکرهای روی دریا متوقف مانده باشد، این هفته به حجم ۵۴ میلیون بشکه رسید. این بالاترین میزان برای این وضعیت در دو سال و نیم گذشته است. چین بزرگ‌ترین مشتری نفت برای این تولیدکننده عضو اوپک [ایران] است. ایران هم تحت تحریم قرار دارد. صادرات این نفت اخیراً به بالاترین سرعت در طول چند سال اخیر رسیده است. با توجه به مجموعه بسیار محدود برای خریداران بالقوه، نفت ایران باید ارزان باشد. تاجران این حوزه می‌گویند، برخی محموله‌های نفت سبک ایران این هفته با ۸ تا ۹ دلار تخفیف در هر بشکه نسبت به نفت خام برنت آی‌سی‌ای عرضه شدند. در ماه اوت، این میزان ۴ دلار بود. گسترش تحریم‌ها علیه روسیه نیز منجر به ارزانی بیشتر بشکه‌های نفت شده است. بسیاری از پالایشگاه‌های چینی امسال سریع‌تر از حالت معمول سهمیه خود را سوزانند. این ناشی از رژیم‌های مالیاتی سخت‌گیرانه‌تر برای خوراک جایگزین از قبیل نفت کوره بود. از سال ۲۰۲۴، آن‌ها کل سهمیه سالانه خود را پیشاپیش دریافت کرده‌اند تا به برنامه‌ریزی‌شان کمک شود، اما این نظام اغلب باعث می‌شود آن‌ها مدت‌ها پیش از پایان سال، کم بیاورند.

حامیان مادورو تا کجا پشتش می‌ایستند؟

فعلی در کارائیب، عزم شرکای اصلی مادورو را به محک گذاشته است. این شرکا بوده‌اند که اجازه داده‌اند او هم در مقابل آشوب‌های داخلی و هم در مقابل انزوای فزاینده بین‌المللی، مقاومت کند. آن‌چه این متحدان را کنار هم قرار می‌دهد، ایدئولوژی نیست، بلکه دغدغه‌ای مشترک نسبت به تقابل با فشارهای غربی است و حفظ جای پای ضدآمریکایی در نیم کره غربی. شرکای مادورو محکم کنار او می‌ایستند تا حمایت خود را کاهش دهند؟ پاسخ این سؤال، آینده همکاری‌ها بین این نظام‌ها در شرایط فشار را روشن خواهد کرد. همبستگی فرصت‌طلبانه، در میان این‌ها، زمانی که فشار جدی از سوی ایالات متحده وارد می‌شود، تا چه حد پیش می‌رود؟ ایالات متحده در حال تقویت حضور نظامی خود در منطقه کارائیب است، محیطاراهبردی که اتحادهای مادورو را حفظ می‌کرد، احتمالاً تغییر خواهد کرد. هیچ‌کدام از این شرکای خارجی نمی‌توانند به سرعت با اعمال قدرت ایالات متحده در نیم کره غربی، هماوردی کنند و تمامی‌شان دلالی عملگراییه برای پرهیز از تشدید تنش دارند. به همین شکل، وجود برخی خودداری‌ها در بالاترین سطوح دولت ایالات متحده درباره حمله به درون ونزوئلا این حس را تقویت

دوام نیکولاس مادورو در ونزوئلا بابت شانس یا راهبردهای انطباق‌پذیرانه داخلی برای چندین و چند بحران نبود. بیش از یک دهه است که چین، کوبا، ایران، روسیه و ترکیه با پول، فناوری، دیپلماسی، کمک‌های امنیتی و اطلاعات، مادورو را نگه داشته‌اند؛ اما دفاع از مادورو و حمایت از او در عرصه کلمات یک چیز است و حمایت از او در مواجهه با خطر درگیری آشکار با ایالات متحده، یک چیز دیگر.

مادورو از زمان نشستن بر کرسی ریاست‌جمهوری با بحران‌های مختلف مواجه بوده است و از پس همه آن‌ها برآمده است. سؤالی که این وضعیت حالا پیش می‌کشد این است: وقتی فشار شدید می‌شود، آیا حامیان مادورو تعهد خود را به او تشدید خواهند کرد یا به موضع محتاطانه عقب‌نشینی خواهند کرد؟ اعزام نیروهای دریایی ایالات متحده در مقطع

«ژورنال دموکراسی» اخیراً در تحلیلی به بررسی این سؤال پرداخته که آیا کشورهایی مثل روسیه، چین و ایران که در سال‌های دولت مادورو، حامی و متحد او بوده‌اند، در بحران اخیر ونزوئلا و در مقابل تهدیدهای آمریکا به حمایت از او ادامه می‌دهند یا با محاسباتی متفاوت، رویکرد متفاوتی نسبت به قبل در پیش می‌گیرند. ترجمه بریده‌هایی از این تحلیل را در ادامه می‌خوانید.



آدریانا بورسرنر هررا

استاد علوم سیاسی
کالج نظامی سیتادل